

متن ادبی

زیپ پرمابرا

صبح ساعت ۶:۳۰ با صدای کوکوکوی ساعت جفدی هدیه‌ی پدربزرگ، از خواب بیدار شدم. ذوق زده از رخت خوابم بیرون پریدم. سراغ کمد لباس‌هایم رفتم و مانتو، شلوار و مقنعه‌ام که اتوکشیده و تمیز به چوب لباسی آویزان بود را برداشتم. اما قبلش تصمیم گرفتم اول صبحانه بخورم که کثیف نشوند. بعد از خوردن صبحانه‌ی مفصلی که مامان برای من و بابا آماده کرده بود، حاضر شدم و کوله‌ام را به دوش انداختم. بابا که زودتر از من داشت خانه را ترک می‌کرد، برایم دست تکان داد و گفت: «موفق باشی دختر قشنگم!» من هم برایش از دور بوس فرستادم. امیدوارم به او رسیده باشد. با اولین قدم که به کوچه گذاشتم، یک مشت از هوای پاییز را نفس کشیدم. چقدر خنک و آرام‌بخش! برگ درخت‌ها با نسیم پاییزی می‌رقصیدند و آماده‌ی پوشیدن لباس زرد شده بودند.

سرکوچه، نرگس، نوه‌ی کوچک مریم خانم را دیدم که لپ‌های تپل و سرخش از مقنعه بیرون زده بود. بعد از سلام و احوال‌پرسی راهی مدرسه شدیم. من و نرگس دست در دست هم لی‌لی‌کنان می‌دویدیم، طوری که مامانم و مامان بزرگ نرگس از ما عقب افتادند. من چون از نرگس ۳ سال بزرگ‌ترم (من کلاس سوم و نرگس پیش‌دبستانی)



حواسم جمع بود که موقع رد شدن از خیابان، مواظبش^۱ باشم.

به مدرسه که رسیدیم صدای دست و جیغ بچه‌ها به گوش می‌رسید.

سرود اول مهر طبق هر سال در هیاهو و شلوغی مدرسه از بلندگو پخش می‌شد:

آغاز سال نو / با شادی و سرور / هم‌دوش و هم‌زبان / حرکت به سوی نور

نرگس بی‌تابی می‌کرد. اول فکر کردم چون اولین روز مدرسه است، اضطراب دارد ولی با صدای کودکان‌اش، معصومانه گفت: «سارا خیلی تشنه هستم»، نگاهم به ضلع شرقی مدرسه افتاد. با نرگس از بین جمعیت رد شدیم و خودمان را به آب‌خوری رساندیم. نرگس گفت: «لیوانم داخل جیب وسطی

کیفم هست.» زیپ کیفش را باز کردم و لیوان صورتی را که عکس کیتی روی آن نقش بسته بود، به او دادم.

نرگس آنقدر تند تند آب خورد که انگار یک هفته در کویر گیر افتاده بود. بعد از اینکه لیوان را به جایش برگرداندم، احساس کردم یک نفر دستم را به زور گرفته است. دقت که کردم متوجه شدم آستینم لای زیپ کیف نرگس گیر کرده، همان لحظه زنگ به صدا درآمد و بچه‌ها شروع به صف بستن کردند. من هم تقلا می‌کردم از زیپ کیف نرگس خلاص شوم. سری زیپ را به چپ و راست فشار دادم، ولی فایده‌ای نداشت. قفل شده بود. آستین نازنینم از اینکه زیپ گازش گرفته و لای دندان‌هایش

اسیر شده، درد می‌کشید. ناظم به سمتان آمد و گفت: «بچه‌ها شما چرا نمی‌روید داخل صف؟» گفتم: «آخه خانم مشکلی پیش آمده.» خانم احمدی مثل نیروی نجات به ما ملحق شد. دستم را کشید، با زیپ ور رفت، ولی نتیجه‌ای نداشت. خیلی سفت بود. بچه‌ها داشتند سر صف برنامه‌ی صبحگاهی اجرا می‌کردند.

بعد از خواندن قرآن نوبت به ورزش رسید و ما هم چنان در کشمکش بودیم. حوصله‌ی خانم احمدی سر رفت و گفت: «ای بابا، تا چند دقیقه‌ی دیگر کلاس‌ها شروع می‌شود. بهتر است وسایل داخل کیف‌تان را با هم جابه‌جا کنیم. نرگس با کیف سارا به کلاس برود تا بعداً فکری بکنیم.» چاره‌ای نبود، خانم احمدی زحمت اسباب‌کشی دفترها و کتاب‌هایمان را کشید. نرگس سر کلاش رفت، من هم ناچاراً همان‌طور که آستین قشنگم گرفتار کیف کوچولوی ناقل شده بود، دیرتر از بقیه‌ی دانش‌آموزها سر کلاسم حاضر شدم. خانم حسینی معلم جدیدمان به من خوش آمد گفت. نیمکت آخر یک جای خالی بود، همان‌جا نشستم. معلم گفت: «من داشتم از بچه‌ها می‌پرسیدم چه پیامی برای دوستانشان دارند، حالا تو جواب بده سارا جان!» من کردم: «عهه ... خانم ... به نظرم بچه‌ها مراقب باشند موقع باز و بسته کردن زیپ کیف یکدیگر، کیف دوستانشان مچ‌شان را نگیرد و مثل من بازداشت نشوند.»

همان موقع دست راستم را همراه با کیف نرگس بالا بردم تا بقیه بهتر درک کنند. بچه‌ها قهقهه زدند، انگار جوک تعریف کردم، اما من خیلی جدی بودم.

؟

پرسشنامه



۱- اسم نوهی مریم خانم چه بود؟

(۱) یاس (۲) زهرا (۳) نرگس (۴) نیکی

۲- با توجه به سرودی که روز اول مهر در مدرسه پخش شد، جاهای خالی را کامل کنید.

آغاز سال نو / / هم‌دوش و هم‌زبان /

۳- سارا امسال به کلاس چندم می‌رود؟

(۱) دوم (۲) سوم (۳) چهارم (۴) پنجم

۴- چرا سارا موقع رد شدن از خیابان مواظب نرگس بود؟

.....

۵- چرا نرگس بعد از ورود به مدرسه بی‌تابی می‌کرد؟

.....

۶- چرا بعد از اینکه زنگ مدرسه خورد و بچه‌ها صف بستند، نرگس و سارا نتوانستند به صف ملحق شوند؟

.....

۷- با توجه به مشکل نرگس و سارا، شما اگر جای خانم احمدی بودید چه راه‌حلی پیشنهاد می‌دادید؟

.....

۸- شما اگر جای سارا بودید مشکل را به ناظم می‌گفتید یا خودتان تنهایی حل میکردید؟

.....

۹- سارا چه پیامی روز اول مهر برای دوستانش داشت؟

.....

۱۰- شما چه پیامی روز اول مهر برای دوستانتان دارید؟

.....

۱۱- خانم حسینی نام کدام شخصیت داستان بود؟

(۱) ناظم (۲) مدیر (۳) معلم کلاس سوم (۴) معلم کلاس دوم

۱۲- اولین کاری که معلم کلاس بعد از آمدن بچه‌ها کرد، چه بود؟

.....

۱۳- به ترتیب شماره گذاری کنید.

الف) نگاهم به ضلع شرقی مدرسه افتاد.

ب) خانم احمدی مثل نیروی نجات به ما ملحق شد.

پ) برگ درخت‌ها با نسیم پاییزی می‌رقصیدند.

ت) احساس کردم یک نفر دستم را به زور گرفت.

۱۴- منظور از «ش» در واژه‌ی «مواظبش» در متن کیست؟

۱۵- چرا سارا اول تصمیم گرفت صبحانه بخورد، بعد لباس مدرسه‌اش را بپوشد؟

.....

۱۶- به نظر شما سارا چطور از دست کیف نرگس راحت می‌شود؟ شما جای سارا بودید، چه می‌کردید؟

.....



متن اطلاعاتی

نیلوفر، گل شناور در آب

من گل نیلوفر آبی هستم. با طلوع آفتاب از خواب بیدار و باز می‌شوم و موقع غروب دوباره می‌خوابم و غنچه می‌شوم به همین دلیل من نماد تولد دوباره هستم. محل زندگی من مرداب است و روی آب شناور هستم. هم‌نوعانم اغلب در مرداب‌های شمال و غرب کشور می‌درخشند. از مرداب انزلی در استان گیلان تا گندمان در استان چهارمحال و بختیاری. اصالتم به کشور مصر و قدمتم به ۱۳۰ میلیون سال پیش باز می‌گردد. در میان نیلوفرهای آبی بین ۶۰ تا ۷۰ ژن متفاوت وجود دارد. که هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد و همه با هم دوست هستند.



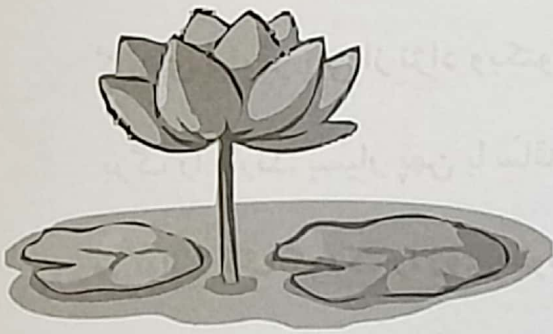
گل‌های نیلوفر آبی از نژاد ویکتوریا، بزرگ‌ترین برگ را دارند. بسیار پهن با ساقه‌های لوله‌ای شکل که می‌توانند یک کودک را روی خود نگه دارند چه برسد به یک قورباغه!

راستش را بخواهید من از سرما بیزار و عاشق گرما و رطوبت هستم، به همین دلیل از اردیبهشت تا اواخر مهر مرداب را تزئین می‌کنم. وقتی نور خورشید به مرداب‌های کم عمق می‌تابد، من متولد می‌شوم. تنها گل در دنیا که از لجن به وجود می‌آید و نماد خورشید است، من هستم. همیشه مرداب در گوشم می‌گوید: «تو زیبایی و درخشندگی به من هدیه دادی.»

من ۸ برگ دارم و خدا گونه‌هایم را صورتی و سفید رنگ آمیزی کرده است. ولی بعضی دوستانم تا ۱۲ برگ هم دارند و زرد، بنفش یا آبی رنگ هستند.

انگلیسی‌ها «لوتوس» یا «لوتوس شرقی» صدایم می‌زنند. چینی‌ها «لی یِن هُوا» و ژاپنی‌ها «رنگه». البته ناگفته نماند که اسم ما در زبان سانسکریت «پادما» است. روی برگ‌هایم پوششی هست که مانع جذب آب می‌شود. به همین علت قطره‌های باران روی برگ‌هایم مهمان می‌شوند ولی خیس نمی‌کنند.

راستی ماهی‌ها برای فرار از دست ماهیگیرها زیر برگ‌های پهن من پناه می‌گیرند، اما همین ماهی‌های قدرشناس وقتی غذا گیر نیاورند، ما را یک لقمه‌ی چپ می‌کنند. انسان‌ها هم که دیگر نگویم از خواص دارویی ما چه مریضی‌ها که مداوا نمی‌کنند ...





پرسشنامه



۱۷- محل رشد گل نیلوفر کجاست؟

- (۱) داخل خاک (۲) داخل گلدان (۳) داخل آب (۴) داخل خاک رس

۱۸- گل نیلوفر نماد چیست؟

- (۱) خورشید (۲) زمین (۳) آب (۴) سرما

۱۹- آیا این جمله درست است؟ «برگ گل نیلوفر از نژاد ویکتوریا تحمل وزن یک کودک را دارد.»

- (۱) بله صحیح است. (۲) خیر گل نیلوفر تحمل وزن کودک را ندارد.
 (۳) خیر گل نسترن تحمل وزن کودک را دارد. (۴) خیر گل نیلوفر از نژادهای دیگر تحمل وزن کودک را دارد.

۲۰- در ارتباط با گل نیلوفر موارد زیر را تکمیل کنید.

..... (الف) مصر:

..... (ب) مرداب انزلی در استان گیلان:

..... (پ) ۱۳۰ میلیون سال:

..... (ت) اردیبهشت تا اواخر مهر:

۲۱- گل نیلوفر در چه هوایی و مکانی متولد می‌شود؟

۲۲- چرا آب فقط به صورت قطره روی برگ‌های نیلوفر می‌نشیند؟

۲۳- برگ‌های پهن گل نیلوفر چه مزیت‌هایی دارد؟

۲۴- با توجه به چه خصوصیتی از گل نیلوفر این گل را نمادی از تولد دوباره می‌دانند؟

۲۵- ویژگی‌های بارز نژاد ویکتوریا از خانواده‌ی گل نیلوفر چیست؟

۲۶- یکی از شگفتی‌های گل نیلوفر نسبت به بقیه‌ی گل‌ها چیست؟ (۲ مورد)

۲۷- یک جمله‌ی زیبا در توصیف گل نیلوفر بنویسید.